

استاد: دکتر عظیمی

جهاد دانشگاهی مشهد

حقوق فراموشی

تهیه و تنظیم: رحمانیان - فنچه

حقوق فرهنگی

تعریف نسبت: رابطه ی بین پدیده هاست.

تعریف فرهنگ: به معنی مسکن گزیدن - کشت کردن - حراست کردن - پرستش - دوخت و دوز و کشت و زرع

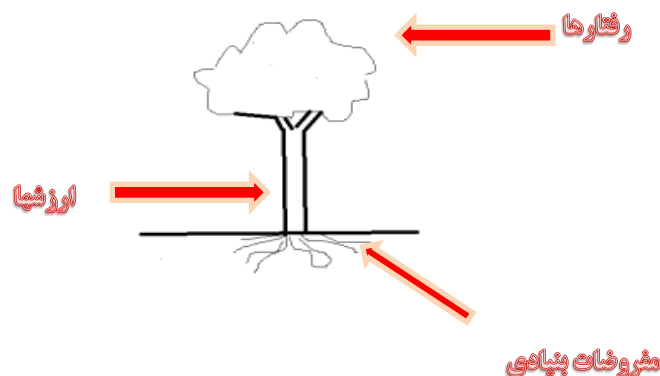
به کار می گرفتند. در این حوزه گرایش به رشد طبیعی را به شکل عملی ما مشاهده می کنیم و تا قرن 16 فرهنگ با خصلت عملی مورد توجه بوده است، به عبارت دیگر تا قرن 16 فرهنگ به یک فراگرد مشخصی محدود می شده است اما از این تاریخ به بعد ما به سمت تعاریف انتزاعی فرهنگ حرکت می نماییم. در این حوزه تعاریف متعددی از فرهنگ صورت گرفته است که می توان این تعاریف را در چند محور فرعی خلاصه کرد.

انتزاعی یعنی از یک کلیتی یک مفهوم را انتزاع و جدا می کنیم.

فرهنگ در معانی انتزاعی خود چند کاربرد عمده به شرط زیر دارد:

- 1- بصورت یک اسم مستقل و انتزاعی فراگرد عام: رشد فکری - معنوی و زیبا شناسی بیان می کند.
- 2- فرهنگ گاهی کاربرد عام و خاص پیدا می کند که این کاربرد معرف: روش و شیوه ی زندگی معینی است این روش و شیوه: در یک گروه، مردم یا دوره ی خاصی از تاریخ زندگی جوامع مربوط می شود.
به عبارت دیگر در یک تعریف کلی: فراگرد عام و خاص (مثل کردها-ترکها- لرها-بلوچها) روش و شیوه ی زندگی گروه، جامعه و دوره را شامل می شود.
- 3- توصیف آثار و تجربیات فکری که در حوزه ی فعالیتهای هنری، اهداف خاصی را دنبال می کنیم.
- 4- فرهنگ نظام گراست

درخت فرهنگ:



در مفروضات بنیادی بحث جهان بینی مطرح می شود.

1-جهان بینی 2-ارزشها 3-رفتارها 4-نماد

ادگارد شاین می گوید: فرهنگ سه لایه دارد. دکتر افروغ هم این مدل را مطرح می کند.

شهید مطهری می گوید مکتب بر دو قسم است؟ 1-جهان بینی 2-ایدئولوژی و می گوید انسان با دوبرال علم و عقل به کمال می رسد و علم ما نسبت به گذشته کامل ولی نسبت به آینده ناقص است. جهان بینی لایه زیرین، فرهنگ جهان بینی است. نظام امپریالیسم همان نظام سرمایه داری می باشد. در بحث مارکس انسانها از خود بی خود می شوند.

مثال: یک مسلمان بر اساس ایده (کنش) و تفکری که دارد خمس و زکات پرداخت می کند و شدت و ضعف دارد در یک شخصی قوی است و در دیگری ممکن است قوی نباشد و یا ضعیف تر باشد. تعریف توصیفی فرهنگ را تایلور یا تیلور مطرح کرده است.

هنجارها: دستورالعملهای ریز زندگی است که با این روشها و شیوه ها زندگی می کنیم. مثال: مراسم ازدواج- خرید طلا، خرید لباس و غیره می تواند هنجار باشد.

کروبر (کلاهنون) تعریف توصیفی از فرهنگ دارد وی می گوید: ما می توانیم و بعضی از تعریف ها:

1- هنجاری است.

2-تاریخی (میراث‌های تاریخی)

3-روان شناسانه یا انطباق فرد با شرایط

4- ساختاری . در ساختاری الگوها و مدلها مورد توجه ما قرار می گیرد مثل کشتی چوخه که یک سنت ساختاری

میباشد و مربوط به شهرستان اسفراین است.

5-تکوینی که همان آفرینندگی است.

تعدادی از صاحب نظران حوزه ی حقوق سه نوع حقوق را به شرح زیر بر می شمارند:

1-حقوق مدنی

2-حقوق سیاسی

3-حقوق اجتماعی

1-حقوق مدنی: این حقوق شامل آزادی بیان- فکر- عقیده و حقوق مربوط به مالکیتی قراردادها و عدالت می شود.

2-حقوق سیاسی: شامل شرکت در تصمیمات عمومی و حق رای در انتخاب های مختلف می باشد.

3-حقوق اجتماعی: شامل امنیت- رفاه- سهمیم شدن در میراث زندگی اجتماعی می شود مثال: دولت رفاه اولین بار

در انگلستان و توسط خانمی به نام تاچر مطرح شد.

سطوح آزادی

1- آزادی عقیده: مبانی اعتقادی مشخص مثلا مسلمان- مسیحی- یهودی

2- آزادی اندیشه: بسیاری از آدمها دارای اندیشه- فکر و نظر هستند.

3- آزادی بیان: ما اندیشه هایی داریم آیا می توانیم این اندیشه ها را بیان کنیم یا نه؟

4- آزادی رفتار: 98 درصد جامعه به دنبال این آزادی هستند.

جامعه مدنی چیست ؟

جامعه ایست که بر اساس قانون کار می کند، در جامعه ی مدنی نهادهایی تشکیل می شوند که در بخش اقتصاد

بخش خصوصی- دولتی است؛ یعنی عرصه باز می شود برای شکل گیری نهادهای فرهنگی

مونتسکیو می گوید: آزادی شما زمانی قطع می شود که آزادی دیگری شروع می شود.

نکته: افلاطون معتقد است بدترین نظامها، نظام دموکراسی است و می گوید چرا باید حق رای یکی باشد.

مثال: چرا باید حق رای یک چوپان با یک فرد تحصیلکرده یکی باشد؟

هرمونیک یعنی چه؟

به معنی تفسیر یا برداشت از موضوعات پیرامونمان می باشد. من یک تفسیری دارم و دیگری تفسیری دیگر

تعریف قاعده حقوقی:

قاعده حقوقی یکی از پدیده های اجتماعی تعریف شده است. در این تعریف، حقوقی و اجتماع لازم و ملزوم یکدیگر می باشند. به عبارت دیگر توصیف قاعده حقوقی بدون زندگی اجتماعی قابل تعریف نیست، چرا که قاعده حقوقی در زندگی اجتماعی باعث حفظ و دوام و بقای اجتماع می شود. از طریق این قاعده، اعمال و رفتار و گروه ها را مورد بررسی قرار می دهیم و نکته ی قابل ذکر این است که قاعده حقوقی و زندگی اجتماعی لازم و ملزوم یکدیگرند.

اوصاف قاعده حقوقی:

بسیاری از حقوقدانها پیرامون اوصاف قاعده حقوقی به چند اصل بالا اشاره می کنند.

قراردادهای اجتماعی: قرارداد اجتماعی را دو گروه مطرح می کنند:

1- آقای هانر، که سردسته گروه بوده با دید منفی نگاه می کند و می گوید انسان، گرگ انسان است.

جان لاک رسو: می گوید انسان برای اینکه به رفاه برسد و به دلیل روحیه ی همکاری تن به قراردادهای اجتماعی داده است.

تقسیمات علم حقوق

برخی ها علم حقوق را به دو بخش

1- حقوق عمومی 2- حقوق خصوصی تقسیم می کند.

در حوزه حقوق عمومی: ما با مجموعه ای از قواعد روبه‌رو هستیم که دلالت بر روابط دولت و مأمورین دولتی با مردم دارد. در واقع در این راستا است که سازمانهای مختلف شکل می‌گیرد تا در غالب وظایف سازمانی بر اساس مجموعه ی مقررات و قوانین به مردم خدماتی را ارائه نمایند.

حوزه حقوق خصوصی: ما با مجموعه ی مقررات و قواعدی روبه‌رو هستیم که بر روابط بین افراد جاری است.

منبع قانون عرف است یعنی چه؟ یعنی آن چیزی که در جامعه مرسوم است.

در کالاهای فرهنگی: سرعت اجتناب ناپذیر است.

حقوق فرهنگی:

به معنای حق تعلق به فرهنگ خاصی معنا شده است بدون تردید وقتی این تعریف را از حقوق فرهنگی داریم. همه ی خرده فرهنگها در این تعریف قابل بررسی و نقد می باشد، همچنین با این تعریف بحث مشارکت افراد به وسعت خرده فرهنگهای که می شناسیم قابل تعریف است. و بحث تنوع و خرده فرهنگها مطرح می شود. پس بنابراین زمینه ی رشد و شکوفایی فراهم می شود.

شیراک رئیس جمهور فرانسه می گوید: شما یک دیدگاهی را برپا کرده اید و همه در آن سهیم می شوند.

حقوق فرهنگی در غالب عنوانی از قبیل:

- 1- حق تکثیر
 - 2- حق تالیف
 - 3- حق اختراع
- مطرح می شود . نکته ی قابل توجه این است که حق فرهنگی حق فردی نیست چون به همه ی افراد جامعه تعلق دارد. برخی از صاحب نظران در تعریف حقوق فرهنگی می گویند: حقوق فرهنگی مربوط به لایه های فرهنگی است که در یک جامعه قابل تعریف است این لایه ها در سطح زیرین با جهان بینی و اندیشه قابل تبیین است و در سطح دوم ما ارزشها و باورها را داریم. لایه ی سوم هنجارها متجلی می شود و در سطح چهارم ما با نمادهای مختلف روبرو هستیم

بنابراین زمانی ما به حقوق فرهنگی یک جامعه توجه کرده ایم که همه ی این سطوح را مورد تعریف و بررسی قرار دهیم.

مثال: رابطه ی انسان با فرهنگ مثل رابطه ی ماهی با آب است زیرا اگر ماهی را آزاد بگیریم حتما می میرد. برای همین است که وقتی می گوییم جهان بینی، یعنی او یک دیدگاه و حقی دارد که ما را نمی توان از دیدگاه و حقی که داریم جدا کرد.

سطوح حقوق فرهنگی

نماد

هنجارها

ارزشها و باورها

جهان بینی

الهیات

فرق بین تمدن و فرهنگ ؟

تمدن را نمی شود منتقل کرد ولی فرهنگ را می توان منتقل کرد فرهنگ موجودیت و هویت ما را شکل می دهد و این موجودیت و هویت ما را از سایر حیوانات متمایز می سازد.

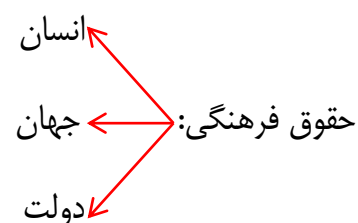
تاریخچه بحث و طرح مساله ؟ همانطور که می دانیم فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را شکل می دهد و وجه تمایز انسان از دیگر مخلوقات عالم هستی می باشد. بنابراین تعریف فرهنگ، حقوق فرهنگی و نقش دولتها در قبال آن بستگی به تعریف آنست که:

1- ما انسان داریم.

2- جهان هستی را چگونه از نظر معرفت شناسی تحلیل می کنیم.

3- نقش دولتها در این میان چیست؟

بحث حقوق فرهنگی از دهه 70 مطرح شد. از زمانی که مقوله ی توسعه فرهنگی جای خود را در برنامه ریزیها و فعالیتهای گوناگون بین المللی داد. این بحث از طرف یونسکو از سالهای 1988 تا 1997 بود. بحث عنوان دهه ی جهانی توسعه ی فرهنگی مطرح گردید، البته قبل از این بحث هم ما در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر در سال 1948 بندهایی را در غالب حقوق فرهنگی به شرح زیر می بینیم:



فرق } بشر: هیکل
 آرم: الم الخاص
 انسان: محتوا و ماهیت.

بحث حقوق فرهنگی: در جهان از دهه ی 70 مطرح شد. توسعه فرهنگی: از سال 1988 تا سال 1997 می باشد.
 اموال و آثار تاریخی به دودسته تقسیم میشوند.

1- ملموس 2- ناملموس

ملموس خود به دودسته منقول و غیر منقول تقسیم میشود. غیر منقول مثل سلیمان تپه که در سال 1310 کشف شد. وسایر آثار که نزدیک به 31000 اثر تاریخی کشف شده می باشد را نیز غیر منقول گویند. لذا در این خصوص ماده 562 میگوید: هرگونه حفاری جهت بدست آوردن آثار باستانی ممنوع بوده و مجازات از شش ماه تا سه سال حبس بدنبال خواهد داشت. اگر کاشف بر حسب اتفاق کشف شود، دادستان با حضور یک کارشناس اهل فن در صورتی که در ملک شخصی باشد چنانچه شیئی مانند طلا، نقره و... باشد وزن کرده و دوبرابر مقدار آنرا به فرد مورد نظر میدهند.

اهداف چهارگانه توسعه فرهنگی:

1- ارتقاء هویت فرهنگی

2- ارج نهادن به بعد توسعه ی فرهنگی

3- ایجاد زمینه های مشارکت فراگیر در زندگی فرهنگی

4- ایجاد زمینه های ارتقاء همکاری های فرهنگی در عرصه ی بین المللی

بنابراین با توجه به مفهوم توسعه فرهنگی، توسعه باید از مردم شروع شود آنچه را که مردم به عنوان باورهای فرهنگی قبول دارند و این باورها در عرصه ی روابط اجتماعی به صورت رفتار بروز می کنند. به عبارت دیگر توسعه ی فرهنگی از آنجایی باید شروع شود که مردم می خواهند و می اندیشند را باور دارند.

مصادیق توسعه ی فرهنگی:

حقوق فرهنگی را آن دسته از حقوق بشر تعریف کردند که شامل آیتمهای زیر باشد:

بند 1: هرکس حق دارد که آزادانه در زندگی فرهنگی جامعه شرکت کند از هنرها برخوردار شود و از پیشرفتهای علمی و دست آوردهای آن بهره مند شود.

بند 2: هرکس حق دارد که از حمایت منابع معنوی و مادی و هر اثر علمی، ادبی، هنری که خود پدید آورنده های آن است برخوردار شوند.

بند 3: همچنین در ماده 22 چنین آمده، هرکس مجاز است به وسیله ی دفاعی ملی و همکاری بین المللی - حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود که لازمه ی مخمور و رشد شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد.

توسعه فرهنگی و ملزومات آن:

سازمان فرهنگی یونسکو سال 1988 تا 1997 را در دهه ی توسعه ی فرهنگی اعلام کرد.

تعریف در مفهوم: 1- فرهنگ توسعه

2- توسعه ی فرهنگی

الف) فرهنگ توسعه: در فرهنگ توسعه به دنبال انطباق فرهنگی با الگوهای توسعه غرب هستیم .

ب) توسعه ی فرهنگی: انطباق توسعه با فرهنگ مورد نظر بحث می شود و یا بعبارت دیگر هم انطباق مطرح می شود و هم توسعه

سازمان میراث فرهنگی - گردشگری - صنایع دستی:

حقوق متعلق به ملت و جامعه است. حقوق از ابتدای تاریخ تا زمان زندیه می باشد. اولین قانون در خصوص آثار تاریخی در سال 1309 مدون شد.

حقوق فرهنگی

- 1- حق انسان به مشارکت در حیات فرهنگی جامعه یعنی بایستی حق مشارکت را به انسان داده شود.
 - 2- بهره مندی از توسعه های علمی
 - 3- حفظ اخلاق و منافع اصولی در علوم
 - 4- کسب دانش یا تولیدات هنری
 - 5- دستیابی به آموزش
 - 6- حفظ هویت فرهنگی، زبانی و آداب و رسوم
- شخصی به نام سیندر در سال 1996 در گزارشی که برای یونسکو تحت عنوان لیست مقدمات فرهنگی تنظیم کرد 11 تا حقوق را به شرح زیر گزارش کرد:
- 1- حق بقای فیزیکی و فرهنگی
 - 2- حق هویت فرهنگی
 - 3- حق تشکیل اجتماعات و شناسایی با یک اجتماع فرهنگی
 - 4- حق برخورداری از میراث مادی و معنوی و فرهنگی
 - 5- حق آزادی مذهبی و عمل به آن
 - 6- آزادی عقیده، بیان و اطلاعات جزء مصادیق حقوق فرهنگی است.
 - 7- آزادی انتخاب، نوع آموزش و تعلیم آن

8- حق مشارکت در توانمندسازی در رویه های فرهنگی

9- حق برخورداری از محیط زیست و فرهنگی

10- حق توسعه ی فرهنگ بومی

11- حق مشارکت در توسعه ی فرهنگی و خلاقیت

موزه ی حقوق فرهنگی در کجاست؟ حوزه ی حقوق فرهنگی در قانون است.

حقوق بشر:

در بحث بررسی حقوق فرهنگی، حقوق بشر حقوقی هستند که به انسان به عنوان، انسان تعلیق می گیرد این حقوق نه یا عبارت با مفاهیمی و با معانی به عنوان نژاد بلکه با واقعیت صرف انسان بودن بدون همه تعلقات قرار می گیرد. در این معنا حق مفهومی است که در همزیستی انسانها و برای به قاعده درآوردن آن و به سامان کردن آن در امورات مختلف زندگی معنا دارد.

حقوق بشر و نسبت فرهنگی

نسبت حقوق بشر و نسبت باورهای فرهنگی: بدون تردید در راستای بحث کلی حقوق بشر ما توجه به نسبتهای فرهنگی هم برای انسانها در قالب حقوق فرهنگی هم با علم قائل هستیم. نسبت باورهای فرهنگ حکم میکند که ما با توجه به فرهنگهای مختلف به افکار، عقاید و اندیشه های دیگران احترام قائل باشیم و برای آنها حقی را در نظر بگیریم در بحث حقوق بشر و تنوع فرهنگی چند دیدگاه مطرح می شود که به صورت اجمالی می توان به شرح زیر بیان کرد:

دیدگاه اول:

که از سوی اندیشمندان غربی یا کشورهای غربی دنبال می شود در این دیدگاه حقوق بشر جهان شمول فرض می شود و گوناگونی فرهنگی یا تنوع فرهنگها نمی تواند تاثیری بر، هنجاریهای حقوق بشر داشته باشد.

که از آنها تحت عنوان نسبت گرایان یاد می شود، معتقدند که حقوق بشر نسبی است بنابراین، این حقوق را باید با توجه به هنجارهای فرهنگی هر منطقه و محل مورد مطالعه قرار داد، بنابراین هر کشوری حق دارد با در نظر گرفتن ویژگیهای فرهنگ خود تعریف اختصاصی با توجه به شرایط بومی خود از حقوق بشر ارائه دهد و آن را مبنای عمل قرار دهد.

مالکیت ادبی و هنری: کنفرانس آقای دیانی مطالعه شود.

چه تعریفی از حقوق فرهنگی در جمهوری اسلامی داریم؟

وظایف دولت در زمینه ی تامین حقوق فرهنگی

برخی دیدگاه ها وظایف دولت را در تامین حقوق فرهنگی در چند محور کلی به شرح زیر خلاصه می کنند:

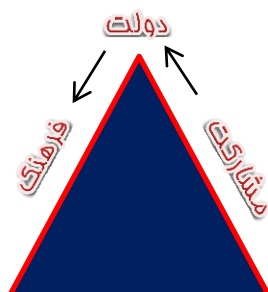
1- تشویق آفرینشهای هنری بدون کنترل آنها

2- ایجاد ابزارهای مالی و قانونی و ایجاد زیرساختارهای مناسب برای کارهای فرهنگی به منظور توسعه ی فرهنگی

3- ایجاد امکانات مناسب و ایجاد شرایط مطلوب به شکل آزادانه برای مشارکت همه ی اقشار و نهادها در زندگی

فرهنگی

دولت چگونه می تواند زمینه توسعه ی فرهنگی با مشارکت مردم را فراهم کند؟



حوزه ی حقوق فرهنگی در قانون اساسی

در قانون اساسی هدف از حکومت اسلامی برای رشد انسانها حرکت به سوی نظام الهی است و این مسیر، مسیر کمال ماست که ما به رشد و شکوفایی می رسیم.

در اصل سوم قانون اساسی بند2: بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه ها با استفاده از امکانات

بند 3 اصل سوم قانون اساسی: می گوید آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه

بند 4: تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان

بند 7: آزادیهای سیاسی و اجتماعی

بند 9: رفع تبعیض و امکانات عادلانه برای همه در همه ی زمینه های مادی و معنوی

اصول 6 و 7 قانون اساسی: مشارکت در همه ی امور

اصل 12: دین رسمی ایران: اسلام و آزادی مذهب

اصل 13: ایرانیان زرتشتی - کلیمی و مسیحی به عنوان تنها اقلیت های دینی و مذهبی شمرده شده اند.

فصل سوم از اصل

در قانون اساسی جایگاه حقوق فرهنگی چگونه تعریف شده است؟ در مقدمه هدف از حکومت اسلامی در قانون

اساسی رشد انسان تعریف شده است. این رشد در کدام مسیر است؟ حرکت به سوی نظام الهی است.

اصل سوم قانون اساسی و بند دوم: بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه ی زمینه ها با استفاده از رسانه ها

و مطبوعات یعنی داشتن حق مردم و بالا بردن سطح آگاهی مردم از طریق رسانه و مطبوعات.

اصل 3 بند چهارم: تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان

اصل 3 بند هفت: آزادی های سیاسی و اجتماعی

اصل 3 بند نهم: ایجاد امکانات عادلانه برای همه در همه ی زمینه های مادی و معنوی

در فرهنگ : مادی = تمدن معنوی = فرهنگ

که باید شرایط را برای آن فراهم کنیم.

اصل 6 و 7 قانون اساسی: بحث مشارکت افراد در تمام زمینه های اجتماعی و فرهنگی و ...

اصل 9: تفکیک ناپذیر بودن آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی

اصل 12: دین اسلام در مذهب شیعه ی اثنی عشری

اصل 13: ایرانیان فرق مختلف به عنوان اقلیت های دینی (زرتشتی و کلیمی)

فصل 3: بند 19 تا 24 : حقوق دولت نسبت به ملت (حقوق فرهنگی)

اصل 56 و 57 و 100: تشکیل شوراهای مشارکت مردم - نسبت به همه ی مسائل فرهنگی

اصل 57: حق الهی حاکم بر سرنوشت انسان

اصل 56: همه پرسی مردم از مسائل فرهنگی

